

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۳/۰۸
 تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۰/۲۳
 تاریخ چاپ مقاله: ۱۴۰۲/۰۲/۳۱

پریچهر خواجه^۱، سید شاهین محسنی^۲

سنخ‌شناسی متون موسیقایی ایران

چکیده

شناخت میراث موسیقایی در سنت ایرانی - اسلامی، وابسته به شناخت متون است زیرا تا قبل از اختراع ضبط صوت، دسترسی مستقیم به موسیقی در گذشته‌ی تاریخی میسر نیست و بنابراین تنها راه شناخت موسیقی گذشته بررسی متون اعم از مکتوب یا منقوش است. آنچه امروزه مصداق متون موسیقایی شناخته می‌شود، متون موسیقی نظری در مکتب مشایی و بعد مکتب منتظمیه است که در آن‌ها بیشتر به مسایل فنی و نظری موسیقی با نگاه غالب ریاضیاتی پرداخته می‌شود. از آنجاکه موسیقی مقوله‌ای فرهنگی است و به‌عنوان بخشی از کلیت فرهنگ ایران با زنجیره‌ی وسیعی از دیگر مقولات فرهنگی پیوند عمیق دارد؛ بنابراین منحصر شدن متن موسیقایی در متون فنی موسیقی نظری با گرایش ریاضیاتی ناپسندیده بوده و باعث خواهد شد بخشی از میراث فرهنگی موسیقایی ما مغفول بماند؛ زیرا متون تاریخی در یک شبکه‌ی منسجم فرهنگی به‌هم پیوسته‌اند و بررسی هریک از مقولات فرهنگی، از جمله موسیقی، مستلزم نگاه کلان به تمامی متون تاریخی با درجات ارتباط و تأثیر متفاوت است. مقاله‌ی حاضر پژوهشی در روش شناخت منابع در تاریخ موسیقی و در حوزه‌ی طبقه‌بندی علوم است؛ و به این مسأله می‌پردازد که متن موسیقایی چیست و کدام یک از متون تاریخی را می‌توان متن موسیقایی نامید؛ چرا منحصر شدن متون موسیقایی در متون ریاضیاتی ناپسندیده است و گستره‌ی منابع موسیقی‌شناسی تا کجاست. این مقاله هشت سنخ متن از متون موسیقایی را شناسایی کرده و نشان داده می‌شود که هر سنخ از متون، کدام بخش از مقوله‌ی فرهنگی موسیقی را روشن می‌سازند. این هشت سنخ شامل اول متون موسیقی نظری در گفتمان ریاضیاتی - فلسفی، دوم متون گفتمان شفاهی و تذکره‌ها، سوم کتب فقهی و حدیثی، چهارم سماع‌نامه‌ها، پنجم کتب تاریخی که شامل تاریخ عمومی، آداب‌نامه‌ها و سفرنامه‌ها است، ششم متون ادبی، هفتم کتب طبیعیات شامل علوم پزشکی و نجوم، هشتم متون هنرهای تجسمی شامل حجاری، نگارگری و انواع نقوش و هم‌چنین آثار باستانی شامل سازهای قدیمی و نقش برجسته‌ها و نقوش باستانی می‌شود.

واژگان کلیدی: تاریخ موسیقی، سنخ‌شناسی، موسیقی‌شناسی، متن، طبقه‌بندی علوم

^۱ عضو هیأت علمی دانشکده موسیقی دانشگاه هنر، تهران، ایران.

Email: khajeh_p@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکتری فلسفه دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

Email: s.sh.mohseni@gmail.com

مقدمه

مقاله‌ی حاضر به منبع‌شناسی پژوهش در متون موسیقایی می‌پردازد و قصد دارد نشان دهد که گستره‌ی متونی که می‌توان آن‌ها را متون موسیقایی نامید با توجه به آنکه موسیقی مقوله‌ای تاریخی- فرهنگی است، بسیار وسیع‌تر از حوزه‌ای است که امروز مورد مطالعه قرار می‌گیرد، بنابراین سؤال اصلی پژوهش آن است که گستره‌ی متن موسیقایی تا کجا است و کدام سنخ از متون باید به‌عنوان متن موسیقایی شناخته شوند. متونی که امروزه به‌عنوان منابع موسیقایی شناخته می‌شوند عمدتاً متون موسیقی نظری و برگرفته از سنت ریاضیاتی- فلسفی هستند که تنها گوشه‌ای از گستره‌ی فرهنگی موسیقی را به نمایش می‌گذارند. مقاله‌ی حاضر براساس این نظر طرح شده که متن موسیقایی منحصر در متون فنی موسیقی نظری نمی‌شود و موسیقی به‌عنوان یک مقوله فرهنگی در شبکه‌ی وسیعی از متون قرار می‌گیرد که همگی ارتباط بینامتنی دارند. محور اصلی این مقاله ارایه‌ی شواهد برای اثبات همین نظر و ارایه‌ی الگو برای شناسایی سنخ‌های متفاوت متون موسیقایی است. بررسی متون موسیقایی می‌تواند تا زمان حاضر را دربر بگیرد؛ اما عمده‌ی تمرکز مقاله بر گذشته و دورانی است که نمونه‌ی شنیداری از آن در دست نیست و تنها راه شناخت موسیقی گذشته بررسی متون به‌جای مانده است. در این راستا ابتدا درباره‌ی چستی متن موسیقایی بحث می‌شود و نمونه‌هایی از پژوهش‌های انجام‌شده‌ی پیشین بر روی متون موسیقایی کهن و روش تقسیم‌بندی آن‌ها مرور می‌شود؛ سپس تقسیم‌بندی موضوع محور از متون در هشت سنخ ارایه می‌شود که هر سنخ گوشه‌ای از متون موسیقایی را دربر می‌گیرد؛ سپس تاریخچه و گستره‌ی متون هر سنخ تحلیل شده و نشان داده می‌شود که هر سنخ از متون چگونه گستره‌ی مفاهیم مرتبط با موسیقی را تکمیل می‌کنند.

پیشینه پژوهش

پژوهشی که مستقیم با سنخ‌شناسی متون موسیقایی مرتبط باشد و یا در حوزه‌ی طبقه‌بندی علوم تمام گستره‌ی فرهنگی موسیقی را واکاوی کند، تاکنون انجام نشده است؛ اما پژوهش‌گرانی که در حوزه‌ی فهرست‌نگاری سنخ خطی و یا تاریخ‌نگاری موسیقی کار کرده‌اند، نوعی از سنخ‌شناسی را پیش‌فرض پژوهش خود قرار داده‌اند. مثلاً رویکردی که دانش‌پژوه در کتاب ارزشمند فهرست آثار خطی در موسیقی اتخاذ کرده شامل متون موسیقی نظری، سماع، نامه‌های موسیقی و موسیقی دانان در تذکره‌ها می‌شود (صد و سی اثر: ۲۴). مسعودیه نیز در کتاب فهرست نسخ خطی موسیقی ایرانی و هم‌چنین در فهرستی که برای فهرست بین‌المللی منابع موسیقی تهیه کرده بود طبقه‌بندی موضوعی را انتخاب کرده است: صوت‌شناسی، شرح و تفسیر، مکاتبات، رسایل، غناء و سماع، ابزارآلات، مقامات، راگا، شکل‌های موسیقایی، موسیقی‌دان‌ها، آثار ادبی، منشأ، تعریف و تقسیم‌بندی موسیقی، آداب و رسوم و موسیقی درمانی، جنگ، نظریه‌ی موسیقی، (مرعشی و کرم‌رضایی، ۸۱). روشن است که این تقسیم‌بندی میان موضوع اثر و موضوع خاص از علوم موسیقی، هم‌چنین تقسیم اثر و تقسیم مطالب، مضطرب است اما به‌رحال رویکرد کل‌نگرانه و جامع ایشان را آشکار می‌کند.

ذاکر جعفری در حیات سازها در تاریخ موسیقایی ایران از متون تاریخی و سفرنامه‌ها، متون مرتبط با آثار تجسمی، نقاشی و تذکره‌شعرا استفاده کرده است (ذاکر جعفری، ۱۳۹۶). محمدزاده صدیق با سیری در رساله‌های موسیقایی در تقسیم‌بندی اولیه‌ی متون موسیقایی جایگاهی برای متون فقهی و دینی قایل می‌شود و در انتها نیز از قابوس‌نامه و مثنوی معنوی نقل‌هایی می‌آورد، اما بدنه‌ی اصلی کتاب وی برپایه‌ی

متون موسیقی نظری شکل گرفته است (محمدزاده، ۱۳۸۹). میثمی در موسیقی در دوره‌ی غزنویان به تأثیر کنش‌های سیاسی، مکاتب کلامی، آراء صوفیه و فلسفه بر موسیقی توجه می‌کند و از گستره‌ی وسیعی از منابع شامل متون تاریخی، دیوان اشعار، تذکره‌ها و متون صوفیانه استفاده می‌کند (میثمی، ۱۳۹۸)؛ گرچه او در موسیقی عصر صفوی بیشتر بر رسالات موسیقی، کتب تاریخی، سفرنامه‌ها و تذکره‌ها متمرکز است (همو، ۱۳۸۹). از میان مستشرقین نیز فارمر معمولاً طبقه‌بندی آثار را منحصر در رسالات موسیقی نظری و گفتمان شفاهی کرده (Farmer, Arab Music, intro) اما در مقام استفاده از آثاری چون هزارویک‌شب یا عقدالفرید و احیاء علوم‌الدین نیز بهره می‌برد (Ibid, Historical Facts). شیلوا هم که چندین مطالعه‌ی تطبیقی میان دین و موسیقی هم در اسلام و هم در یهودیت دارد، از کتب فقهی و حدیثی استفاده می‌کند، در عین حال از جنبه‌ی تاریخی به کتب صوفیانه نیز توجه کرده است.

۱- چستی متن موسیقایی

موسیقی مقوله‌ای فرهنگی است که در بسیاری از ابعاد زیست جهان فرهنگی انسان حضور پررنگ دارد (Nettl, 2005)، امروزه موسیقی‌شناسی تنها به شناخت موسیقی نظری محدود نمی‌شود، بلکه ارتباط موسیقی با دیگر مقولات فرهنگی و اندیشه‌های سازنده‌ی تحولات موسیقایی نیز جزو موسیقی‌شناسی است (Herbert & McCollum, 2022: P317)؛ هم‌چنین مطالعات بین‌رشته‌ای، موسیقی را به علوم دیگر مرتبط کرده و رشته‌هایی چون باستان‌شناسی، علوم‌شناختی، زیست‌شناسی، جامعه‌شناسی، اسطوره‌شناسی و زبان‌شناسی از این طریق با رشته‌ی موسیقی‌شناسی ارتباط گرفته‌اند (Tomlinson, 2013: P31). بنابراین باید گفت موسیقی‌شناسی امروزه شامل شناخت نسبت موسیقی با فرهنگ است که کمینه حالت آن باید: شناخت تاریخ اجتماعی موسیقی، شناخت نسبت موسیقی با دین، شناخت نسبت موسیقی با اسطوره، شناخت جایگاه و ارتباط موسیقی در میان دیگر هنرها، به‌علاوه‌ی شناخت موارد فنی موسیقی باشد. واژه «موسیقی» از اواخر قرن دوم در سنت ما استفاده می‌شود و معمولاً آن را به صورت «صناعت موسیقی» و «علم موسیقی» به‌کار می‌برند، در متون علمی با تعریف ارسطویی و از دل سنت ریاضیاتی-فلسفی؛ موسیقی به دو بخش کلی نظری و عملی تقسیم شده، بخش عملی به اصحاب عمل واگذار شده و درباره‌ی بخش نظری بحث می‌شود. موسیقی نظری در این متون شامل علم‌النغمات، علم‌الالحان، علم‌الایقاع، علم‌التالیف، شناخت آلات، مبادی علم موسیقی، و موارد فنی از این دست می‌شود. این‌گونه متون جریان غالب متون موسیقایی در سنت ما را شامل می‌شود و امروزه نیز نه تنها بیشتر پژوهش‌ها را به خود اختصاص داده‌اند بلکه به‌عنوان الگوی ثابت متون موسیقایی تثبیت شده‌اند. قبل و هم‌زمان متون موسیقایی گفتمان ریاضیاتی-فلسفی، متون دیگری نیز تألیف شده‌اند که از اساس از اصطلاح موسیقی استفاده نمی‌کنند و نویسندگان آن‌ها متعلق به سنت عملی موسیقی هستند و آثار آنان بیشتر ذکر احوال نوازندگان و خوانندگان و شعرا است. این‌گونه متون نیز که در این مقاله در بخش «گفتمان شفاهی و تذکره‌ها» به آن‌ها پرداخته شده است در میان پژوهش‌گران به‌عنوان متن موسیقایی شناخته و پذیرفته شده است، گرچه پژوهش و اهتمام درباره‌ی آن‌ها کمتر است و هم‌چنین محدود به دوره‌ی خاصی است و ادامه‌دار نشده است. یک متن موسیقایی، یک متن فرهنگی است و در حقیقت با تمام متون فرهنگی رابطه‌ی ترامنتی^۱ دارد و تمام عناصر فرهنگی در فهم متون موسیقایی تأثیرگذار هستند. یک متن موسیقایی مانند هر متن دیگر، از گنجینه‌ی

مفاهیمی شکل گرفته که آن مفاهیم در دل فرهنگ معنادار هستند و برای فهم آن‌ها باید ارتباط آن مفاهیم با دیگر مفاهیم فرهنگی مورد بررسی قرار گیرد؛ بنابراین هر متن نوعی هستی واسطه‌گون دارد و درحقیقت یک بینامتن است و فهم آن وابسته به فهم متون دیگر است. دراین میان متونی که باهم روابط بینامتنی قوی و آشکار داشته باشند در یک «سنخ»^۲ یا گونه قرار می‌گیرند و هر مقوله‌ی فرهنگی - هم‌چون موسیقی - می‌تواند شامل متونی از یک یا چند سنخ باشد، که به‌صورت یک شبکه‌ی معرفتی^۳ منسجم^۴ عمل می‌کنند. با توجه به ایضاح معنای گسترده‌ی متن موسیقایی، باید بررسی شود که کدام سنخ از متون باقی‌مانده تاریخ ایران فرهنگی، مستقیم می‌تواند برای شناخت وجوه مختلف موسیقی مورد استفاده قرار گیرند و به‌دیگر معنی «سنخ‌شناسی متون موسیقایی ایران فرهنگی» چگونه است. در ادامه هشت سنخ متفاوت از متون بررسی می‌شوند؛ این سنوخ شامل متونی هستند که مطالعه‌ی آن‌ها برای شکل‌گیری درک فرهنگی صحیح از موسیقی لازم است و بلاواسطه می‌توانند در موسیقی‌شناسی مورد استفاده قرار گیرند، بنابراین در سطح اول ارتباط بینامتنی متون موسیقایی با دیگر متون فرهنگی قرار دارند.

۲-۱- موسیقی نظری و کتب ریاضیاتی - فلسفی

بیشترین حجم متون مرتبط با موسیقی و توجه اصلی پژوهش‌گران عموماً روی همین سنخ متمرکز شده است. آثار این سنخ از انتهای قرن دوم و توسط حکمایی با گرایش یونانی شروع می‌شود و اغلب الگوی آن‌ها کتب ترجمه‌ی شده‌ی یونانی و رومی است. اصطلاح «موسیقی» به‌عنوان علم نظری در همین آثار باب می‌شود و موسیقی از طریق گرایش ریاضیاتی-فلسفی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. هرچه از قرون اولیه فاصله بگیریم و هرچه تعداد حکمای جامع‌العلوم کمتر شود و به‌همان نسبت تعداد دایره‌المعارف‌های فلسفی کاهش پیدا کند، تعداد تک‌نگاره‌ها و رساله‌های منفرد درباره‌ی موسیقی بیشتر می‌شود و رسالات موسیقی به‌صورت مستقل تألیف می‌شوند و نویسندگان آن‌ها نیز الزاماً حکمای جامع‌العلوم نیستند، بلکه دانشمندانی آشنا به موسیقی نظری و علم‌الالحن و ایقاعات هستند. در این سنخ چهارگونه اثر وجود دارد: ۱- کتب جامع موسیقی نظری مانند الموسیقی الکبیر فارابی یا الادوار ارموی، ۲- کتب ریاضی شامل موسیقی مانند رساله فی شرح ما اشکل من مصادرات کتاب اقلیدس خیام که بخش کوچکی به موسیقی اختصاص دارد (نیشابور، شرح اقلیدس، ۷۲)، ۳- رسالات تک‌موضوعی درباره‌ی موسیقی مانند رساله فی الموسیقی خواجه نصیر یا رساله فی اللحن و النغم از کندی (کندی، اللحن)، ۴- کتب دایره‌المعارف‌ی که بخشی از آن به علم موسیقی اختصاص داده شده است مانند شفا و دانشنامه‌ی علایی از ابن‌سینا، دره‌التاج از قطب شیرازی و از متأخرین تقویم‌الملوک محمدقاسم سبزواری. مباحثی که در آثار این سنخ مطرح شده نیز چند بخش است: ۱- مباحث تخصصی موسیقی نظری شامل سازشناسی، علم‌النغمات، علم‌الالحن، علم‌الایقاع و علم‌التالیف، که بیشترین حجم را همین بحث شامل می‌شود، ۲- مباحث وزن شعر و پیوند شعر و موسیقی، ۳- فلسفه‌ی موسیقی و مبادی علم موسیقی، ۴- زیبایی‌شناسی، ۵- اسطوره‌ها و روایت‌های پیرامون موسیقی.

در این سنخ آثار کندی و یحیی‌المنجم ابتدای آن هستند که رسالاتی کوتاه و تک‌بعدی‌اند. بعد از آن - اگر دو کتاب احمد طیب سرخسی را که امروزه در دست نیست در نظر بگیریم - الموسیقی الکبیر فارابی اولین کتاب جامع درباره‌ی موسیقی نظری است و احتمالاً مهم‌ترین اثر مکتوب موسیقی در سنت ما است؛ بدان دلیل که این اثر الگوی بخش بزرگ آثار پس از خود قرار می‌گیرد. ابن‌سینا در شفا و دانشنامه‌ی علایی همین الگورا

دنبال می‌کند و همین‌طور الکافی فی‌الموسیقی از ابن‌زبیله شاگرد ابن‌سینا. خوارزمی قرن ۴ در مفاتیح‌العلوم نیز ترتیب فارابی را رعایت می‌کند گرچه بحث‌های فلسفی متفاوتی را پیش می‌کشد. رساله‌ی موسیقی اخوان‌الصفا که بخشی از مجموعه رسالات ایشان است با الگوی فارابی متفاوت است و به مصنفات کندی شباهت بیشتری دارد، همین‌طور مجمل‌الحکمه که نوعی ترجمه و خلاصه‌ی فارسی اثر اخوان‌الصفا است (دانش‌پژوه، مجمل‌الحکمه). فخرالدین رازی قرن ۶ در جامع‌العلوم فصلی به نام اصول فن موسیقی (فخر رازی، ستینی: ۵۲۶-۵۳۰) و خواجه‌نصیرالدین طوسی قرن ۷ نیز رساله‌ای کوتاه درباره‌ی الحان دارد. در غرب اسلامی نیز ابن‌باجه در کتاب‌الموسیقی و همین‌طور کتاب‌النفوس و تدبیر‌المتوحد با الهام از ابن‌سینا آراء موسیقایی خود را بیان می‌کند که تأثیر زیادی در اندلس و اروپا داشته است (ابن‌باجه، رسایل الالهیه: ۳۷-۳۹)، او همچنین نقدهایی بر آراء اقلیدس دارد. در نیمه‌ی دوم قرن هفتم صفی‌الدین ارموی ظهور می‌کند و با الادوار و رساله‌الشرفیه فی‌النسب‌التالیفیه جان دوباره‌ای به موسیقی نظری می‌دهد و برای اولین بار آراء فارابی درباره‌ی نحوه‌ی تولید صوت را نقد می‌کند، بعد از آن تعداد زیادی اثر با الهام از الادوار و با نام مشابه آن تألیف می‌شود. بعد قطب‌الدین شیرازی در دره‌التاج لغره‌الدباج بخش موسیقی مفصلی را با الگوگیری از ارموی می‌گنجاند. کمال ادب غناء از حسن‌الکاتب بسیار منظم با بعد فلسفی پررنگ است که آرایبی از احمدطیب سرخسی را نیز نقل می‌کند (کاتب، کمال ادب: ۷۳). در قرن نهم عبدالقادر مراغی با جامع‌الالحان و مقاصد‌الالحان و شرح‌الادوار ظهور می‌کند و پسر و نوه‌ی او نیز راه وی را دنبال می‌کنند. از قرن نهم به بعد نام بزرگی در میان نویسندگان و آثار موسیقی نظری به چشم نمی‌خورد و جنبه‌های ریاضی متون کم‌رنگ و جنبه‌های اسطوره‌ای و باورهای عمومی آن پررنگ می‌شود؛ رسالات بیشتر تک‌موضوعی شده و به توصیف الحان و مقامات و ارتباطات آن‌ها می‌پردازند.

۲-۲- متون موسیقایی در گفتمان شفاهی و تذکره‌ها

قبل از ترجمه‌ی متون یونانی و رومی درباره‌ی موسیقی و قبل از شکل‌گیری گفتمان ریاضیاتی- فلسفی و رواج «موسیقی نظری»؛ آثاری وجود دارند که نویسندگان آن‌ها بیشتر محدثان و عالمان ادب و عالمان تاریخ هستند. در این متون از محاسبات ریاضی خبری نیست و موسیقی بخشی از علوم شمرده نمی‌شود؛ بلکه موسیقی به‌عنوان بخشی از آداب فرهنگی همراه با شعر و نحوه‌ی اجرای آن و مناسبت اجرای آن و روایت‌ها و اسطوره‌های پیرامون آن شناخته شده و موسیقی از موسیقی دانان و زندگی آنان جدا نیست. به‌همین دلیل این آثار پر از نام‌های نوازندگان و شعرا و داستان‌های زندگی آنان است و ساختار این متون براساس روایت شکل گرفته است و نه تحلیل موضوع. احتمالاً مهم‌ترین اثر در این بخش کتاب‌الآغانی نوشته‌ی ابوالفرج اصفهانی است که یکی از چندین کتاب با نام‌الآغانی و پر حجم‌ترین آن‌هاست. غیر از آن کتاب‌الملاهی و اسمانها من قبل الموسیقی از مفضل بن سلمه و کتاب‌الطنبوریین و الطنبوریات اثر جحظه‌برمکی که استاد ابوالفرج اصفهانی بود، همگی در این بخش قرار می‌گیرند. در این بخش معمولاً از اصطلاح «موسیقی» که معرب از یونانی است، استفاده نمی‌شود و به جای آن از اصطلاحات «غناء» و «لهو»، و برای انواع ساز «ملاهی»، «معازف» یا «آلات لهو» استفاده شده است. آثار این بخش با موسیقی قبل از اسلام ارتباط بیشتری دارند و بسیاری از اصطلاحات فارسی و پهلوی را به‌کار می‌برند، مثلاً اللهو و الملاهی از ابن‌خردادبه قرن ۳ که درباره‌ی موسیقی قبل از اسلام و تأثیر آن بر موسیقی اسلامی مطالب زیادی دارد (ابن‌خردادبه، مختار)، از خسرو پرویز

و باربد می‌گوید و داستانک‌هایی از آن‌ها نقل می‌کند و باآنکه حجم کتاب زیاد نیست اما اسامی سازها و انواع لحن‌ها و توصیفی از آن‌ها را پشت‌سرهم آورده است. آثار این سنخ با ظهور گرایش ریاضیاتی - فلسفی کم‌رنگ می‌شود، گرچه رویکرد آن‌ها به موسیقی در قرون بعدی در حاشیه ادامه می‌یابد.

باآنکه شیوه‌ی نگارش گفتمان شفاهی در موسیقی کم‌رنگ می‌شود، اما در ادبیات به‌صورت تذکره‌نویسی ادامه می‌یابد. در سنت ما موسیقی و شعر پیوند ناگسستنی دارند و بسیاری از شعرا یا موسیقی‌دان بوده‌اند یا با موسیقی دانان ارتباط داشته‌اند، مثلاً در دوره‌ی صفویه حداقل صد تن از شعرا به یکی از شاخه‌های موسیقی اشتغال داشتند و بعضی محافلی برای آموزش موسیقی ترتیب داده بودند (میرانصاری: ۵۲)؛ بنابراین توصیف وقایع زندگی شعرا و آثار آنان اطلاعاتی از موسیقی زمانه را نیز با خود به‌همراه دارد و تذکره‌های شعرا به‌عنوان منبعی در سنخ گفتمان شفاهی برای متون موسیقایی قرار می‌گیرند. سابقه‌ی تذکره‌نویسی فارسی به اواخر قرن پنجم در دولت سلجوقیان بازمی‌گردد که مناقب‌الشعرا از خاتونی در آن دوره تألیف می‌شود و از آن دوره به‌صورت پیوسته تذکره‌هایی درباره‌ی شاعران پارسی‌گوی موجود است. بدنه‌ی اصلی این تذکره‌ها بر احوال و آثار شاعران شکل‌گرفته است و در کنار آن نیز معمولاً به فضای فرهنگی هر دوره و یا توانایی‌های هنری شاعران و ارتباط ایشان با دیگر هنرمندان پرداخته‌شده که منابع ارزشمندی در شناخت فرهنگ و موسیقی را فراهم می‌کنند. مثلاً خلدبرین از واله اصفهانی وضعیت اجتماعی موسیقی در دوره‌ی صفوی را بسیار خوب توصیف می‌کند (واله، خلدبرین، روضه هشتم). یا گلستان هنر از منشی‌قمی که زندگی نوازندگانی چون قاسم را ذکر کرده است (منشی، گلستان: ۱۳)، یا تقی‌اشی قرن ۱۰ در خلاصه‌الاشعار و زبده‌الافکار که وضعیت آموزش موسیقی در کاشان را توصیف می‌کند که در آن روزگار پررونق‌ترین منطقه‌ی موسیقی بوده است (کاشی، خلاصه‌الاشعار، بخش کاشان ۳-۲۷). یا تذکره نصرآبادی که درباره‌ی آوازخوانان که به «سازنده» مشهور بودند و انواع محافل آوازی دوره‌ی صفوی از جمله نقالی، مداحی، قصه‌خوانی، شاهنامه‌خوانی و ... توضیح می‌دهد (نصرآبادی، تذکره، ج ۱: ۲۰۶-۲۱۶، ۳۹۱، ۴۱۶).

۲-۳- کتب فقهی و حدیثی

فتاوی فقهی درباره‌ی حرمت یا اباحت غناء تقریباً از دوره‌ی صدر اسلام وجود دارند اما تألیف کتب اختصاصی در این مورد با تأخیر انجام‌شده است. بحث حرمت یا اباحت غناء در دو دوره برجسته می‌شود، یکی در اوایل دوره‌ی عباسی با رواج موسیقی در دربار و دیگر در دوره‌ی رواج سماع صوفیان از اواخر قرن چهارم به‌بعد. آرای فقهی قرون اولیه عموماً بحثی درباره‌ی اصطلاح «موسیقی» مطرح نمی‌کنند و مسأله حول محور غناء شکل می‌گیرد و از آنجاکه خود این لفظ مستقیم در قرآن ذکر نشده، تفاسیر و احادیث مختلف بررسی می‌شوند که در کجا می‌توان مصداق غناء را یافت. سماع صوفیه نیز باآنکه بحث‌های جداگانه‌ای دارد اما ذیل همین مفهوم غناء طرح‌شده است. در آرای فقهی امامیه نیز همین روال وجود دارد با این تفاوت که قدری با تأخیر جمع‌آوری شده و نیز احادیث ائمه اهمیت می‌یابند و حدیث درباره‌ی غناء کم نیست.

بنابراین یک سلسله مطالب به‌صورت پیوسته از قرون اولیه تا نزدیک به امروز درباره‌ی موسیقی نوشته شده که باآنکه متون تاریخی و تحلیلی موسیقی نیستند اما اطلاعات ارزشمندی از موسیقی در دوره‌های مختلف را به‌دست می‌دهند و می‌توانند به‌عنوان سندی تاریخی درباره‌ی موسیقی در نظر گرفته شوند و در چند موضع راجع به غناء و موسیقی بحث می‌کنند: ۱- مصادیقی که برای تفسیر الفاظ «غناء»، «زور»، «قول‌الزور»،

«سامدون»، «لهوالحدیث» و «لغو» ذکر شده و روایات همراه آن‌ها، ۲- احادیثی که راجع به غناء یا مغنی یا قینه یا آلات لهو آمده است که روایاتی از وضعیت موسیقی صدر اسلامی دارد، ۳- احکام در مورد خرید و فروش ساز و کنیزکان آوازخوان، یا کسب مال از موسیقی که در بحث مکاسب مطرح می‌شود و تاریخ طولانی را تا دوران نزدیک به ما دربر می‌گیرد، ۴- احکامی که در باب سماع صوفیه صادر شده است که تقریباً از قرن سوم شروع می‌شود و در آن‌ها معمولاً توصیفات از نحوه برگزاری مجالس صوفیه وجود دارد. از جمله قدیمی‌ترین آثار در این زمینه ذم‌الملاهی از ابن‌ابی‌دنیا (۵۹-۷۷) است، یا کتاب تحریم النرد و الشطرنج و الملاهی از ابی‌بکرالآجری که شافعی مذهب است و درباره‌ی معازف و ملاهی صحبت کرده است (الآجری، تحریم). بعدتر نیز آثار مهمی چون رساله فی الغناء الملهمی أمباح هو أم محظور و همین‌طور رساله فی الغناء الملهمی از ابن‌حزم اندلسی قرن ۵ فقیه و محدث اهل قرطبه و شافعی مذهب تألیف می‌شود و رساله‌ی السماع و الرقص از ابن‌تیمیه فقیه و محدث حنبلی قرن ۷ که در کتاب المسایل الکبری چاپ شده است. در امامیه، فقهای گذشته معمولاً گفتاری کوتاه و غیرتحلیلی در حد ذکر فتوا به همراه چند حدیث دارند از جمله شیخ طوسی در جلد پنجم المبسوط فی فقه الامامیه و یا در النهایه فی مجردالفرقه و الفتاوی، یا حلی در جلد دوم شرایع الاسلام فی مسایل الحلال و الحرام، یا شیخ مفید در المقنعه؛ هم‌چنین از فقهای متأخرتر احمد نراقی در مستندالشیعه و ملا محسن فیض کاشانی درباره‌ی سماع و غناء در کتاب الوافی. فقیه بزرگ مرتضی انصاری در مکاسب تقریباً سی صفحه را به غناء اختصاص داده و شاید بیش از همه درباره‌ی حرمت آن و خرید و فروش ساز نظر می‌دهد. فقهای امامیه تا سده یازدهم رساله‌ی مستقلی درباره‌ی غناء تألیف نکرده‌اند اما از آن زمان به بعد تعداد رسالات قابل توجه است (مختاری و صادقی). قابل توجه است در الذریعة الی تصانیف الشیعة آقابزرگ تهرانی که فهرستی از کتب تألیف شده توسط عالمان شیعه را تا قرن چهاردهم جمع‌آوری کرده است، نام تعداد زیادی رساله موسیقی و فهرستی از آثار فقهی درباره‌ی غناء و سماع را شامل می‌شود و در جلد نهم آن نام و سرگذشت ۸۸ شاعر موسیقی دان آمده است (دانش‌پژوه، فهرست: ۲۴).

۲-۴- سماع‌نامه‌ها

«سماع» نزد صوفیه مراسمی خاص شامل موسیقی و شعر است که بعضی از آن انواع رقص و دست‌افشانی و آداب خاص دیگر به همراه دارد. سماع از جمله مواضع انکار صوفیه از سوی فقها و متشرعین بوده و به همین دلیل آثاری در رد آن و در اثبات اباحت اصل و آداب سماع نگاشته شده است. از قرن سوم که نگارش متون عرفانی باب می‌شود، بعضی از آثار بخش‌هایی را به سماع اختصاص دادند و پیدایش آثار مختص به سماع از نیمه‌ی دوم قرن چهارم است (پورجوادی)، شامل دلیل بر اباحت آن، رد دلایل حرمت آن، تلاش برای نشان دادن حقیقت سماع در برابر افکار رایج، توجیه آداب و رسوم مجالس سماع از نظر شرعی، و هم‌چنین توصیف آداب صحیح سماع می‌شود. از جمله‌ی مراسم سماع، رقص و دست‌افشانی و وجد است. حرکات بدنی در مراسم سماع ممکن است شامل تصفیق یا دست‌برهم‌زدن، حرکت سر در حالت نشسته، برخاستن و حرکت ایستاده سر، چرخیدن انفرادی و جمعی، جامه‌انداختن، کلاه‌انداختن، جامه دریدن، پای بازی و ... باشد. سماع‌نامه‌ها معمولاً مطالب تخصصی موسیقی ندارند و نویسندگان آن‌ها بیشتر عالم نظری و عملی موسیقی نبوده‌اند؛ اما اهمیت آن‌ها از آن جهت است که توصیفی از موسیقی صوفیانه و خانقاهی و مذهبی زمانه دارند و هم‌چنین مسایل پیرافرنگی^۵ موسیقی در آن‌ها پررنگ است. مثلاً در سماع‌نامه‌ها معمولاً نوعی هستی

نیمه مجرد برای موسیقی قایل هستند و آن را یادگاری از روز الست یا عالم ملکوت می دانند. دیگر آنکه معمولاً برای توجیه اباحت سماع پای مسأله‌ی لذت و زیبایی و عشق به میان کشیده می شود و بحث‌هایی در زیبایی‌شناسی و منشأ زیبایی و نسبت زیبایی با نفس مطرح می شود و همین‌طور زیبایی‌شناسی موسیقی و انواع شنیدن و تقسیم شنوندگان و مراتب‌داری استماع. دیگر از آنجاکه موسیقی سماع همراه شعر است، ارتباط موسیقی و شعر و نحوه‌ی فهم شعر و حمل استعارات شعری بر حقایق عرفانی از جمله مطالب سماع‌نامه‌ها است. دیگر آنکه این آثار معمولاً توصیه‌هایی برای انجام صحیح مراسم سماع دارند و پرهیز از اعمال شبهه‌انگیز و این بخش بسیار می تواند به شناخت نحوه‌ی برگزاری این مراسم و جنبه‌ی اجتماعی موسیقی کمک کند.

معروف‌ترین این آثار باب سماع و وجد در احیاء علوم‌الدین ابو حامد غزالی است که بحث فلسفه‌ی موسیقی بسیار عمیقی را نیز مطرح می کند. ابوطالب مکی در قوت القلوب و در باب ذکر مخاوف‌المحبین و مقاماتهم فی الخوف، باب سماع در کشف‌المحجوب هجویری، کتاب‌السماع در اللمع فی التصوف از ابونصر سراج، باب سماع در التعرف لمذهب اهل التصوف از کلابادی، باب تجرید‌الاشاره فی الخفی‌الذکر در شرح‌الاذکار و باب سماع در ادب‌الملوک از ابومنصور اصفهانی، اوراد الاحباب از یحیی باخرزی، آداب‌المیردین سهروردی، توصیف کامل محمد بن منور در اسرارالتوحید فی مقامات شیخ ابوسعید از رقص و جامه‌دریدن در سماع ابوسعید ابوالخیر از جمله‌ی آثار سماع در قرون اولیه هستند و از آثار متأخر رساله‌ی مشواق از ملا محسن فیض کاشانی و رساله فواید استماع صوت حسن یا فواید‌السماع از علامه محمدعلی حزین لاهیجی می توان نام برد.

۲-۵-۱- کتب تاریخی

کتب تاریخی چند بخش هستند: یکی آثار قدیمی از دل سنت که در آن‌ها از موسیقی ذکری شده است، هم‌چون تاریخ بیهقی، تاریخ مسعودی یا مروج الذهب؛ دیگر کتب تاریخی جدید که به صورت موضوعی یا دوره‌ای به بررسی تاریخ گذشته پرداخته‌اند و برای فهم تاریخ موسیقی می توان از آن‌ها بهره گرفت؛ دیگر اسناد تاریخی مستقلی که در آن‌ها ذکر موسیقی رفته است.

از کتب قدیمی پیش‌اسلامی می توان به متن خسرو قبادان و ریدگ به زبان پهلوی اشاره کرد که در دوره‌ی ساسانی تألیف شده و نام و توصیف تعدادی ساز در آن ذکر شده است؛ در تقسیم‌بندی اصلی از دو گروه سازها با پسوند «سرای» به معنی سراییدن و خواندن و «وازیگ» به معنی رقص و بازی نام می برد و تعدادی از سازها نیز مستقل توضیح داده می شوند (باقری و حیدری: ۱۷). از متون تاریخی مهم التاج فی أخلاق‌الملوک منسوب به ادیب معتزلی، عمرو بن بحر جاحظ قرن ۳ است در باب سیاست و مُلک‌داری، که تأثیر سنت‌ها و آداب ایران ساسانی را در خلافت پس از اسلام نشان می دهد، مثلاً درباره‌ی جایگاه افراد مختلف در دربار می گوید: «دسته‌ای که مقابل شاهزادگان، یعنی دسته‌اول قرار می گرفتند، عبارت بودند از: نوازندگان و موسیقی دانان حرفه‌ای و افرادی که در برابر طبقه دوم از ندمای پادشاه قرار می گرفتند، عبارت بودند از: طبقه دوم از موسیقی دانان و...» (جاحظ: ۳۳). مشابه همین در مروج‌الذهب آمده که احترام مأمون به موسیقیدانان تا آنجا بود که اسحاق موصلی در رده علمای دین و دست‌در دست یحیی بن اکثم قاضی القضاة بغداد به کاخ خلیفه وارد می شد و این کار شگفتی درباریان را در پی داشت (مسعودی: ۲۸۶). در تاریخ‌الحکمای قفطی

روایتی آمده از درمان جوانی که بی‌هوش شده و اطبا از درمان وی عاجز بودند و اسحاق کندی او را معاینه کرده و نبض او را گرفته و به‌جای دارو دستور حضور گروه نوازندگان را داده و سپس نوع خاصی از موسیقی را برای بیمار تجویز کرده و چهار نوازنده بالای سر او عود نواخته‌اند تا جوان به‌هوش آمد و نشست و سخن گفت (قفطی: ۱۰۸).

از کتب تاریخی متأخر؛ در کتاب امپراتوری هخامنشی و توصیف چگونگی پایان حکومت آنان آمده که در حمله‌ی اسکندر به ایران و در جنگ ایسوس پس از شکست داریوش سوم، ۳۲۰ نوازنده زن که چنگ و فلوت می‌نواختند به اسارت درآمدند (براین: ۶۲۳)، یا گزنوفون از موسیقی رزمی لشکر کوروش یاد کرده است و اینکه در تاج‌گذاری داریوش ۳۶۰ دختر جوان سرود می‌خواندند. پلوتارک از آوازهای خنیاگران و اجرای نمایش به زبان یونانی در دربار اشکانی گزارش می‌دهد (رضایی‌نیا: ۱۱۱). یا در آثار خاورشناسان به‌وجود صنف نوازنده به‌نام «گوسان» در دوره‌ی اشکانی و قبل‌از آن اشاره می‌شود و اینکه چطور در برابر هجمله‌ی فرهنگ یونانی در دوره‌ی سلوکیان ایستادگی کردند و موسیقی و ادب پارسی را حفظ کردند (خان‌مرادی).

اسناد تاریخی نیز می‌توانند برای شناخت وضعیت اجتماعی موسیقی مفید باشند مثلاً نامه‌هایی که از پادشاهان گذشته تا دوران نزدیک به ما باقی مانده، تعدادی از آن‌ها خطاب به موسیقی‌دانان است و یا موضوع آن‌ها موسیقی است؛ دانش‌پژوه تعدادی از نسخ خطی آن‌ها را فهرست کرده است (دانش‌پژوه، صد و سی اثر). مثلاً در مقاله‌ای به بررسی سندی تاریخی درباره‌ی دارالفنون پرداخته‌شده که راجع به شیوه‌ی آموزش موسیقی و برنامه‌های آن است (آقایی‌پور)، یا محمدی برچسب صفحات گرامافون ضبط‌شده در دوره‌ی قاجار را به‌عنوان شاهدی تاریخی در نظر گرفته و اطلاعات آن‌ها را تحلیل کرده است (Mohammadi: 110) و نتایج جالب‌توجهی درباره‌ی نحوه‌ی شکل‌گیری دستگاه‌های ردیف به‌دست آورده است.

۲-۵-۲- کتب تاریخ اجتماعی و آداب

در متونی که به توصیف وضعیت اجتماعی و آداب و رسوم پرداخته‌اند می‌توان درباره‌ی آداب اجرایی موسیقی و بخش عملی آن مطالبی یافت. این آثار متونی هستند که برخلاف کتب تاریخی به توصیف سلسله‌های پادشاهی و جنگ‌ها نمی‌پردازند بلکه نگاهی تاریخی را به بدنه‌ی جامعه و آداب و رسوم مردمان دارند و بخش فرهنگی آن‌ها پررنگ است. این متون معمولاً درباره‌ی آداب صحیح اخلاقی و اجتماعی توصیه‌هایی دارند و پر از مثال‌ها و روایت‌های پیشینیان برای تأیید نصایح خود هستند. بعضی از این متون به موسیقی نیز پرداخته‌اند و درباره‌ی انواع موسیقی در اجتماع و آداب فرهنگی همراه با موسیقی توصیفات دارند و یا حتی نحوه‌ی اجرای صحیح موسیقی در مراسم مختلف را توضیح می‌دهند. مثلاً توصیه‌هایی برای بهتر شدن کیفیت صدا مانند خوردن روغن زیتون و نخوردن آب سرد، یا برخی نصایح برای حفظ شأن موسیقیدان مانند لباس فاخر پوشیدن و استعمال بوی خوش وجود دارد، و یا درباره‌ی نحوه‌ی حضور نوازنده و خواننده در مجالس است با ریزه‌کاری‌های زیاد از نحوه‌ی نشستن و برخاستن و نگاه‌کردن و صحبت و خوردن، همین‌طور توصیه‌های اخلاقی مانند وضوگرفتن، یا رازداری در مجالس و پرهیز از نگاه شهوت‌آلود. از جمله‌ی این متون کتاب العقدالفرید از ابن‌عبدربه اندلسی قرن ۳ و ۴ به‌صورت منظوم به عربی است. او قصد داشته مجموعه‌ای از معارف و آداب مشرق اسلامی را در اختیار نسل جوان مغرب قرار دهد، فارمر اثری در شرح مطالب موسیقایی این کتاب دارد. قابوس‌نامه قرن ۵ نیز در باب سی و ششم بخشی را به آداب

خنیانگری اختصاص داده است، مثلاً راجع به انتخاب دستان در تناسب با شنونده و یا در توجه به مقتضیات طبعی او صحبت می‌کند (عنصرالمعالی: ۱۹۳). هم‌چنین کتاب پر حجم مسالک الأبصار فی ممالک الأمصار از احمد فضل‌الله عمری قرن ۸ که بخشی به توصیف جغرافیا و بخشی به توصیف فرهنگی و اجتماعی اختصاص دارد، در جلد دهم ضمن شرح حال اصحاب موسیقی اصطلاحات تخصصی را نیز شرح می‌کند، مجلداتی نیز به ادبا و شعرا اختصاص دارد که در آن‌ها بحث‌های موسیقایی یافت می‌شود. شاید مشهورترین اثر در این سنخ کتاب‌العبر از عبدالرحمن ابن‌خلدون باشد، بخش موسیقی این کتاب سیر تاریخی همراه با تحلیل‌های جامعه‌شناسانه درباره‌ی روند شکل‌گیری موسیقی در جوامع اسلامی را بیان می‌کند. کتاب رفیق توفیق از محمدعلی قزوینی قرن ۱۱ از متون متأخر این سنخ است که وضعیت اجتماعی اصفهان زمان شاه‌سلیمان صفوی را توصیف می‌کند و بخشی را به آداب ارباب غناء اختصاص داده است.

۲-۵-۳- سفرنامه‌ها

سفرنامه‌ها از جمله متون تاریخی هستند که می‌توانند اطلاعات مهمی از فرهنگ‌عامه و آداب و رسوم مردمان در اختیار بگذارند و به‌همین دلیل برای پژوهش‌های موسیقایی ارزشمندند. رویکرد سفرنامه‌ها اغلب با کتب اجتماعی و آداب شبیه است، غیرازآنکه معمولاً نصایح و روایات گذشته در آن‌ها کمتر است. بعضی سفرنامه‌ها توسط غیرایرانیان و غیرمسلمانانی نوشته شده که افرادی برون‌فرهنگی هستند و ملاحظات سنتی در آن لحاظ نشده است، این آثار متأخرتر هستند و در قرون اولیه معمولاً سفرنامه‌ها توسط افراد درون‌فرهنگی نوشته شده است.

از جمله این سفرنامه‌ها بدایع الوقایع سفرنامه‌ی شاعر و موسیقی‌دان قرن ۱۰ زین‌الدین محمود و اصفی‌هروی به فارسی است و خراسان بزرگ را شامل می‌شود، نام بسیاری از نوازندگان و مهارت‌های دیگر آنان علاوه بر موسیقی آمده است و بخش موسیقی آن غنی است. همین‌طور تحفه‌الهند اثر میرزامحمدجان فرزند فخرالدین که به نام اورنگ‌زیب تألیف شده و باب پنجم آن درباره‌ی «سنگیت» یعنی علم موسیقی است و موسیقی هندی را براساس راگ و راگنی توضیح می‌دهد و تأثیر مقامات فارسی در آن‌ها را بیان می‌کند و بعد «تال‌ادهیای» که معادل علم بحور است و نت‌نگاری با حروف را شرح می‌دهد و نظامی از موسیقی ایرانی براساس تقسیم‌بندی مقام، شعبه، گوشه و آوازه را بیان می‌دارد. (دانش‌پژوه، موسیقی‌نامه‌ها: ۱۸۰). از جمله سفرنامه‌های قابل‌ذکر خارجیانی که موسیقی در آن پررنگ است سفرنامه‌ی ژان شاردن متولد ۱۶۴۳ م سیاح فرانسوی است، او در زمان شاه‌عباس دوم و شاه‌سلیمان سه بار به ایران سفر کرد و زبان ترکی و فارسی را نیز فراگرفت. شاردن در کتاب خود توصیفات از سازهای ایران در دوره‌ی صفوی بیان کرده است و از آنجاکه در دوره‌ی صفوی بحث سازشناسی در رسالات موسیقی کم‌رنگ است، توضیحات وی می‌تواند در شناخت موسیقی صفوی راهگشا باشد، طراحی‌هایی از سازها نیز در کتاب او وجود دارد (شاردن: ۱۱۱-۱۱۴).

۲-۶- کتب ادبی

منظور از کتب ادبی مجموعه‌ی آثار منظوم و منثوری است که شامل انواع داستان‌ها، روایت‌ها و دیوان‌های اشعار است و در قرون اولیه بیشتر به زبان عربی است و بعدتر زبان فارسی بیشتر شده و در نهایت غلبه پیدا می‌کند. در این آثار، موسیقی از جهات مختلف توصیف شده است: یکی داستان‌ها و روایت‌های اسطوره‌ای

درباره‌ی موسیقی و موسیقی‌دانان و انواع ساز که می‌تواند بنیادهای فرهنگی درباره‌ی موسیقی را بیان کند؛ دیگر استفاده از نام انواع ساز یا الحان و مقامات در موسیقی است که می‌تواند به شکل‌گیری سیر تاریخ موسیقی کمک کند؛ دیگر توجیه و یا انکار سماع صوفیان و استفاده از موسیقی در خانقاه‌ها و ریشه‌های عرفانی سماع است؛ دیگر بیان آراء فلسفی درباره‌ی موسیقی و زیبایی‌شناسی موسیقی است.

بسیاری از شعرای پارسی‌گوی در قرون اولیه با موسیقی آشنایی داشتند به‌خصوص آن‌ها که از خراسان بزرگ بودند. نخستین شاعر بزرگ زبان پارسی یعنی رودکی هم نوازنده بود و هم خواننده، همین‌طور فرخی سیستانی و کمالی‌بخارایی. در شاهنامه فردوسی از موسیقی یاد شده است مثلاً درباره‌ی کوچاندن تعداد زیادی نوازندگان هندی به نام «لولی» در زمان بهرام‌گور به ایران توضیح می‌دهد، یا از موسیقی‌دانان اواخر ساسانی هم چون سرکش و باربد نام می‌برد و داستان‌هایی از آن‌ها ذکر می‌کند. در دیوان منوچهری نام آوازهای پیش‌ازاسلامی ذکر شده از جمله: آزادوار، پالیزبان، سبز بهار، کاسه‌گری و... و همین‌طور نام سی‌لحن باربد. نظامی گنجوی که خود موسیقی‌شناس بوده در قصه‌ی خسرو و شیرین بسیار از موسیقی ذکر می‌کند و هم‌چنین نام سی‌لحن باربد را تک‌تک می‌شمارد و استفاده‌ی موسیقی در مراسم اجتماعی قبل از اسلام و موسیقی درباری و نام نوازندگان دوره‌ی ساسانی را می‌آورد. منظومه‌ی ویس و رامین از فخرالدین اسعدگرگانی قرن ۵ است که متنی پهلوی را به نظم درآورده است و اطلاعات زیادی از فرهنگ و آداب و رسوم پیش از اسلام تا دوره‌ی اشکانی دارد و درباره‌ی موسیقی رزمی و شرح استفاده از موسیقی در جنگ با دقت زیاد، و هم‌چنین موسیقی بزمی صحبت کرده است.

در میان شعر عرفانی، عطار نیشابوری در آثار خود روایت‌هایی درباره‌ی موسیقی دارد؛ بعضی از آن‌ها اسطوره‌های پیرامون موسیقی است از جمله ذکر ققنوس در منطق‌الطیر که منقاری شبیه نی دارد و فیلسوفی هم‌ساز او بوده و موسیقی را از او فراگرفته است (عطار: ۳۲۲). در مصیبت‌نامه نیز داستان مطرب پیر نوازنده‌ی رباب را روایت کرده که بعداً مأخذ پیر چنگی مولوی قرار می‌گیرد (ثابت‌زاده). مولوی نیز که هم با موسیقی آشنایی داشته و هم سماع می‌کرده است از اصطلاحات موسیقایی زیادی استفاده می‌کند و حتی در دفتر چهارم مثنوی معنوی بیت ۷۲۰ به بعد بحثی درباره‌ی فلسفه‌ی موسیقی و چرایی استفاده از موسیقی در سماع را پیش می‌کشد. دیوان اشعار عبدالرحمن جامی شاعر و عارف قرن ۹ نیز پر از اصطلاحات موسیقی و توصیفات موسیقایی است، او خود در جوانی آموزش موسیقی دیده بود و رساله‌ای در موسیقی دارد (ملاح). از آثار قابل ذکر در تحلیل این سنخ می‌توان اثر فارمر درباره داستان هزارویک‌شب و نقش موسیقی و موسیقی‌دان‌ها در آن داستان را نام برد (Farmer: 1946).

۲-۷- کتب علوم طبیعی هم‌چون پزشکی و نجوم

از آنجاکه در فلسفه‌ی مشایی علم موسیقی یکی از چهار شاخه‌ی ریاضیات محسوب می‌شده و نگاه ریاضیاتی در بسیاری از علوم طبیعی در قرون دوم تا پنجم گسترش یافته بود؛ در بسیاری از رسالات علوم طبیعی می‌توان مطالبی مرتبط با موسیقی یافت و طب و نجوم دو شاخه‌ی شاخص چنین ارتباطی هستند. درگذشته بر نسبت میان موسیقی و طب تأکید می‌شد و در کتب پزشکی گزارش‌هایی از استفاده‌ی قدما از موسیقی برای درمان وجود دارد. در قرون اولیه اخوان‌الصفا و کندی بسیار بر موسیقی درمانی تأکید کرده‌اند و نه تنها از درمان بیماری‌های نفسانی، بلکه از درمان بیماری‌های جسمانی سخت با موسیقی صحبت می‌کنند و بخشی از

آرای آنان دایم در طول سنت موسیقایی تکرار می‌شود. ارتباط موسیقی و طب معمولاً از دو جهت است: یکی ارتباط الحان با طبایع اربعه و تأثیر نغمات و الحان بر تغییر این طبایع؛ دوم از طریق نبض و آنکه برای شناخت انواع نبض احتیاج به درک ایقاع است و یا حتی تأثیر انواع موسیقی با ایقاع خاص بر نبض. مثلاً مفتاح الطب و منهاج الطلاب از ابن هندو که از اساس علم موسیقی را داخل در صناعت طب می‌داند (محقق: ۵۶) یا علاءالدین کحال می‌گوید: «در جزیره‌ی اندلس پزشکانی هستند که با موسیقی آشنایی دارند آنان نبض بیمار می‌گیرند و با نغماتی که مناسب حال اوست می‌نوازند و با این عمل بسیاری از دردهای بیمار را از بین می‌برند» (محقق: ۷۱). مثال دیگر رساله‌ی خواجه‌عبدالرحمن بن سیف غزنوی قرن ۱۰ که در آن میان هر مقام و زمان اجرای آن و درمان یک بیماری نسبت ایجاد می‌کند: «افلاطون گوید مقام راست خواندندش از برای مرض فلج و لغوه نافعست، در فصل حمل با شعبه‌ی مبرقع و شعبه‌ی پنج‌گاه، وقتش زوال ظهر است» (سیف غزنوی: ۴۶). از جمله آثار نسبتاً کاربردی رساله علم النبض ابن سینا است که رساله‌ای فارسی در باب رگ‌شناسی است و در آن برای شناخت انواع نبض دانستن حدی از موسیقی را لازم می‌داند و آرایبی از جالینوس را درباره‌ی آن ذکر می‌کند و آن‌ها را نقد می‌کند (میرعلی‌نقی).

در بعضی از کتب نجوم نیز به موسیقی پرداخته شده است و ارتباط این دو از طریق تطبیق نغمات و الحان با کواکب و افلاک است که آن‌هم باز در آراء کندی و اخوان‌الصفایافت می‌شود و معمولاً از ایشان نقل قول شده است. مثلاً در کتاب فارسی اشجار و اثمار از علاء‌منجم بخاری قرن ۷ بخشی جداگانه «در نسبت علم موسیقی با کواکب» وجود دارد. از قرن نهم به بعد دیده می‌شود که علاوه بر ارتباط الحان یا مقامات با افلاک، با انواع برج‌ها فلکی و عناصر اربعه ارتباط برقرار می‌شود در حالی که در قرون اولیه صحبتی از بروج نیست و عناصر اربعه هم مرتبط با وترهای عود و زیروبمی صوت است، مثلاً رساله‌ی فتحیه از عبدالحمید اللادقی قرن ۱۰ با تقسیم‌بندی مقام، آواز و شعبه، چنین ارتباطی را برقرار می‌کند.

۲-۸- آثار باستانی و هنرهای تجسمی به‌مثابه متن مصور

هنرهای تجسمی که شامل طیف وسیعی از آثار از جمله نقاشی‌های دیواری، تک‌نگاره‌ها و نقاشی‌های درون کتب، ظروف منقش، حجاری و نقش برجسته، الواح و سکه‌ها و صنایع دستی می‌شوند منبع ارزشمندی برای درک بهتر موسیقی به‌مخصوص از نظر سازشناسی است؛ بنابراین می‌توان آن‌ها را به‌عنوان متن قابل خوانش از جمله‌ی متون موسیقایی در نظر گرفت. در بعضی از این آثار انواع مجالس با حضور نوازندگان به‌تصویر کشیده شده و تصاویر سازها گاه با دقت بالا در آن‌ها وجود دارد که می‌تواند سیر تحول انواع ساز و نحوه‌ی هم‌نشینی نوازندگان و فرهنگ پیرامونی موسیقی را نشان دهد. این آثار برای شناخت موسیقی دوران باستان که متون مکتوب از آن موجود نیست، اهمیت ویژه‌ای می‌یابند.

از قدیمی‌ترین نمونه‌ها مهری است مربوط به ۳۵۰۰-۴۰۰۰ سال پیش از میلاد که از چغامیش خوزستان به‌دست آمده و در آن یک گروه موسیقی را در حال نوازندگی و آوازخوانی نشان می‌دهد؛ سه نفر در حال نواختن چنگ، طبل و نی هستند و خواننده نیز در دستان خود را در زیر گوش قرار داده است. هم‌چنین کاسه سفالین کشف‌شده در گیلان که در لبه‌ی آن دوازده انسان به‌صورت حلقه‌زده در حال نیایش و نواختن موسیقی هستند. در کاوش‌های آرامگاه و معبد ایلامی هفت‌تپه خوزستان مجسمه‌های سفالی کشف‌شده که مردان برهنه‌ای را در حال نواختن سازی شبیه سه‌تار نشان می‌دهد (رضایی‌نیا: ۱۰۹). در نقاشی‌های به‌دست‌آمده از

تالار شمالی مجموعه کوه‌خواجه اشخاصی در حال رقص و نواختن نی در یک مراسم مذهبی تصویر شده‌اند که مشابه این تصویر در ظروف ساسانی هم یافت شده‌است. در مکشوفات باستانی متونی نیز یافت می‌شوند که اغلب به صورت حجاری شده و یا لوح هستند که بعضی از آن‌ها اطلاعاتی از موسیقی باستانی به دست می‌دهند؛ مثلاً متون ایلامی اشاره می‌کنند که کوتیک اینشوشیناک^۶ پادشاه اوان^۷ در دوره ایلام قدیم نوازندگانی را استخدام کرده بود تا در جلوی دروازه‌های اصلی خدای شوش روزها و شب‌ها مشغول نواختن موسیقی باشند (رضایی‌نیا: ۱۱۰). در مورد موسیقی اشکانی نیز پیکره‌هایی چنگ به دست یافت شده که چنگ با دو ضلع و سیم‌های مورب کشیده شده و با یک دست نواخته می‌شده است (فراهانی)، یا در حکاکی روی عاجی که در ترکمنستان به دست آمده ساز زهی با قاب شش گوش دیده می‌شود که سیم‌ها به صورت عمودی بر آن کشیده شده و کنار ساز بادی نواخته می‌شود (رضایی‌نیا: ۱۱۰). یکی از نمونه‌های خوب در این سنخ کتاب موسیقی، صدا و معماری در اسلام است که به کنکاش در نمونه‌های موسیقایی در نگارگری‌های و طراحی‌های معماری اسلامی در دوره‌های مختلف پرداخته است (Frishkopf & Spinetti: 2018).

نتیجه‌گیری

موسیقی مقوله‌ای فرهنگی و چندوجهی است و متن موسیقایی شامل گستره وسیعی از موضوعات مختلف است که هرکدام از حیث خاصی به یکی از وجوه موسیقی پرداخته‌اند. متن موسیقایی منحصر در رسالات موسیقی نظری نیست و سنخ‌های متفاوتی از متون می‌توانند به عنوان متون موسیقایی محسوب شوند. متون موسیقایی که در این مقاله به آن‌ها پرداخته شد از یک سو مستقیم در مطالعات موسیقی‌شناسی مؤثرند و از دیگر سو موسیقی‌شناسی بدون توجه به آن‌ها ناکامل است؛ هشت سنخ متن موسیقایی در طبقه‌بندی موضوعی معرفی می‌شود: سنخ اول رسالات موسیقی برآمده از گفتمان ریاضیاتی - فلسفی که امروزه به عنوان جریان غالب متون موسیقایی تثبیت شده‌اند و عمده‌ی نسخ تصحیح‌شده و پژوهش‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. این متون با ترجمه‌ی کتب یونانی آغاز می‌شوند و موسیقی نظری در آن‌ها غالب است. سنخ دوم از دل گفتمان شفاهی و نزدیک به سنت عملی برآمده‌اند و در آن‌ها احوال و آثار نوازندگان و خوانندگان و شعرا ذکر شده است. این متون در قرون اولیه رایج‌اند و ادامه‌دار نمی‌شوند؛ ولی بعد می‌توان ردپای آن‌ها را در تذکره‌ی شعرا یافت. سنخ سوم متون فقهی و حدیثی است که اختصاص به حکم حرمت یا اباحت غناء دارند، این متون در قرون اولیه مستقل نیستند و ذیل مباحثی چون لهُو و مکاسب از آن‌ها بحث می‌شود اما هرچه موسیقی و سماع رواج بیشتر می‌یابد رسالات تک‌موضوعی بیشتر می‌شود. سنخ چهارم سماع‌نامه‌ها هستند که با رواج سماع صوفیانه و انکار آن توسط فقها رایج می‌شوند و بیشترین تعداد آن‌ها در قرن سوم تا هفتم است، این متون اطلاعات قابل توجهی از موسیقی بدنه‌ی اجتماع و نحوه‌ی اجرای عملی موسیقی دارند. سنخ پنجم متون تاریخی در چند بخش است: بخش اول شامل متون تاریخی قدیمی، یا آثار تاریخی امروزی که به صورت موضوعی به موسیقی پرداخته‌اند، و یا اسناد تاریخی که می‌توان از دل آن‌ها اطلاعاتی درباره‌ی موسیقی به دست آورد. بخش دوم متون آداب و تاریخ اجتماعی هستند که به آداب و رسوم پرداخته‌اند و در آن‌ها اسطوره‌ها و روایت‌های عامه بسیار است. بخش سوم سفرنامه‌ها هستند که می‌توانند متعلق به اشخاص درون‌فرهنگی و یا خارجیان برون‌فرهنگی باشند. سنخ ششم شامل متون است که هم توصیفات

موسیقایی در آن‌ها وجود دارد، هم بعضی آراء زیبایی‌شناسی موسیقی را می‌توان در آن‌ها یافت و بسیاری از نگارندگان آن‌ها نیز خود با موسیقی آشنا بوده‌اند. سنخ هفتم که کم‌حجم‌ترین است، متون علوم طبیعی است که نجوم و طب در آن‌ها شاخص‌اند و عموماً به ارتباط موسیقی با طبایع اربعه، افلاک و کواکب، و نبض می‌پردازند. سنخ هشتم آثار تجسمی و تصویری را به‌مثابه متن در نظر می‌گیرد که شامل انواع حجاری، مجسمه، نقاشی و صنایع‌دستی می‌شود، زیرا شناخت موسیقی باستانی تقریباً بدون این آثار ممکن نیست. این هشت سنخ پیشنهادی، مجموعه‌ی گسترده‌ای از متون را شامل می‌شوند که در کنار یکدیگر منابع شناخت موسیقی به‌عنوان یک مقوله‌ی فرهنگی را فراهم می‌کنند.

مقاله‌ی حاضر که از جنس طبقه‌بندی علوم است، شیوه‌ای را پیشنهاد می‌کند که بتوان از دل متون مختلف، کلیت موسیقی را به‌مثابه یک امر فرهنگی مورد مطالعه قرار داد. این طبقه‌بندی در پژوهش‌های آتی می‌تواند دقیق‌تر شود و یا سنخ‌های دیگری از متون مورد مطالعه قرار گیرد. هم‌چنین با توجه به آنکه در هر سنخ از متون با شیوه و زبان متفاوتی به موسیقی پرداخته شده، پژوهش‌های آتی در همین زمینه می‌تواند گستره‌ی مفاهیم موسیقی‌شناسی و قوم‌موسیقی‌شناسی ایران را غنی‌تر سازد و مفاهیم بین‌رشته‌ای و مفاهیم فرهنگی با بار موسیقایی را بر آن بیفزاید.

پی‌نوشت‌ها

1. transtextual
2. type
3. network epistemic
4. coherent
5. paratextual
6. kutik-inshushinsk
7. awan

فهرست منابع

- آقایی‌پور، شهرام (۱۳۸۸). «یک سند تاریخی از دارالفنون»: کتاب ماه هنر، آبان.
- الآجری، ابوبکر (۱۹۸۲). تحریم النرد والشطرنج والملاهی ولبیه بحث خاص فی الأغانی والمعازف، تحقیق محمد سعید عمر إدريس. السعودية: رئاسة إدارات البحوث العلمية والإفتاء والدعوة والإرشاد.
- ابن‌ابی‌دنیا، عبدالله (۱۴۱۶). ذم الملاهی، تحقیق عمرو عبدالمومن سلیم. قاهره: مکتبه ابن‌تیمیه.
- ابن‌باجه، محمد (۱۹۶۸). رسائل الالهية ابن باجة الالهية، تصحیح ماجد فخری، بیروت.
- ابن‌جوزی، ابوالفرج (۱۳۹۳). تلیس ابلیس، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- آبن‌خردادبه، عبیدالله (۱۹۶۱). مختار من کتاب اللهو و الملاهی لابن خردادبه، نشره عن نسخه یتیمه الادب اغناطیوس عبده خلیفه السوعی. بیروت: مطبعة الكاثولیکیه.
- ابن‌زیله، ابومنصورحسین (۱۹۶۴). الکافی فی الموسیقی، تحقیق زکریا یوسف. قاهره: دارالقلم.
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین (۱۹۶۳). الاغانی. قاهره: دارالکتب.
- ارموی، عبدالمومن (۱۳۸۰). کتاب الادوار فی الموسیقی، ترجمه فارسی به انضمام متن عربی آن. به‌اهتمام آریو رستمی.

- تهران: میراث مکتوب.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵). کتاب المکاسب. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری.
 - همو (۱۴۳۰). المکاسب. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
 - باقری حسن کیاده، معصومه؛ حیدری، مهدیه (۱۳۸۹). «بررسی ابزار موسیقی دوره ساسانی بر پایه متن پهلوی خسرو قبادان و ریدگ»، نشریه مطالعات ایرانی، شماره (۱۷).
 - بخشی، منصوره (۱۳۹۶). «گزارشی از سیر تاریخی موسیقی و نگاه‌های مربوط به آن با تکیه بر الذریعه»، سخن تاریخ. شماره (۲۵)، بهار و تابستان.
 - بریان، پیر (۱۳۷۷). تاریخ امپراطوری هخامنشی، ترجمه‌ی مهدی سمسار، ج ۱. تهران: زریاب.
 - بن‌سلمه، المفضل (۱۹۸۴). الملاهی و أسماءها من قبل الموسیقی، تحقیق غطاس عبد الملک خشبه. قاهره: دارالکتب العربی بالطباعه و النشر.
 - پورجواد، نصرالله (۱۳۶۷). «دو اثر کهن در سماع: از ابوعبدالرحمن سلمی و ابو منصور اصفهانی»، معارف، دوره ۵، شماره (۳).
 - ثابت‌زاده، منصوره (۱۳۸۸). «ویژگی‌های حکایات موسیقایی در آثار عطار نیشابوری»، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی، س ۵، شماره (۱۶).
 - جاحظ، عمرو بن بحر (۱۹۱۴). التاج فی اخلاق الملوک، تحقیق احمد زکی پاشا، قاهره: المطبعة الامیریة.
 - خان‌مرادی، مؤگان (۱۳۹۴). «پژوهشی بر آلات موسیقی دوره اشکانی»، مجله‌ی مطالعات ایرانی، س ۴، شماره (۲۷).
 - خوارزمی، محمد بن احمد (۲۰۰۸). مفاتیح العلوم، تحقیق اعسم عبدالامیر، بیروت: دارالمناهل.
 - دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۴۹). «صد و سی و اند اثر فارسی در موسیقی»، هنر و مردم.
 - دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۵۴). «موسیقی‌نامه‌ها»، هنر و مردم، شماره (۱۵۷).
 - دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۸۷). مجمل الحکمه: ترجمه گونه‌ای کهن از رسائل اخوان الصفا. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
 - ذاکر جعفری، نرگس (۱۳۹۶). حیات سازها در تاریخ موسیقایی ایران: از دوره ایلخانیان تا پایان صفویه. تهران: ماهور.
 - رضایی‌نیا، عباس (۱۳۸۲). «جایگاه موسیقی مذهبی در ایران باستان»، هنرهای زیبا. شماره (۱۳).
 - سبزواری، محمدقاسم (۱۲۶۸). تقویم الملوک. نسخه خطی، تهران: کتابخانه موزه ملک.
 - سیف غزنوی، عبدالرحمن (۱۳۹۲). رساله در موسیقی درمانی: نگاشته خواجه عبدالرحمن سیف غزنوی، از دانشوران سده دهم هجری، به کوشش یوسف بیگ‌باباپور. تهران: سفیر اردهال.
 - شاردن، ژان (۱۳۳۸). دائرةالمعارف تمدن ایران: سیاحتنامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، ج ۵. تهران: انتشارات امیرکبیر.
 - عطار نیشابوری (۱۳۷۳). منطق الطیر، تصحیح محمدجواد مشکور. تهران: الهام.
 - عنصرالمعالی، کیکاووس بن اسکندر (۱۳۶۴). قابوسنامه، تصحیح غلامحسین یوسفی. تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب.
 - فارابی، ابی نصر محمد (۲۰۱۵). کتاب الموسیقی الکبیر. تحقیق غطاس عبدالملک خشبه. قاهره: دارالکتب العربی بالطباعه و النشر.
 - فراهانی، مهشید (۱۳۹۰). «بررسی منابع مطالعاتی موسیقی دوره اشکانی»، کتاب سال شیدا، شماره (۱۲).
 - فخررازی، محمد (۱۳۹۴). جامع العلوم ستینی، تصحیح سیدعلی آل‌داود. تهران: بنیاد محمود افشار.
 - قفطی، جمال‌الدین (۱۳۷۱). تاریخ الحکماء قفطی. تصحیح بهین دارایی. تهران: دانشگاه تهران.
 - کاتب، الحسن بن احمد (۱۹۷۵). کمال ادب الغناء، تحقیق غطاس عبدالملک خشبه. قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
 - کاشی، تقی‌الدین (۱۳۸۵). خلاصه‌الاشعار و زبده‌الافکار، تصحیح عبدالعلی ادیب‌برومند و محمدحسین نصیری کهنمویی. تهران: میراث مکتوب.
 - کندی، یعقوب بن اسحاق (بی‌تا). رسالة الکندی فی اللحن و النغم. بغداد: مطبعة شفیق.

- محقق، مهدی (۱۳۸۸). ابن هندو پزشکی و فیلسوف طب‌ستانی و کتاب مفتاح الطب او با مقدمه‌ای درباره علم پزشکی در اسلام و ایران. تهران: دانشگاه تهران؛ موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مکتب‌گیل.
- محمدزاده صدیق، حسین (۱۳۸۹). سیری در رساله‌های موسیقایی. تهران: انتشارات سوره مهر.
- مختاری، رضا؛ صادقی، محسن (۱۳۸۷). غناء و موسیقی. قم: بوستان کتاب.
- مرعشی، سیدمحمدحسین؛ کرم‌رضایی، پریسا (۱۳۸۳). «فهرست نسخه‌های خطی فارسی موسیقی: محمد تقی مسعودیه»، کتاب ماه کلیات، شهریور و مهر.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۴۰۹). مروج الذهب ومعادن الجواهر، تحقیق اسعدداغر. قم: دارالهجره.
- ملاح، حسینعلی (۱۳۴۴). «شرحی بر رساله موسیقی جامی»، موسیقی. شماره (۱۰۱-۱۰۵).
- منشی قمی، میراحمد بن حسین (۱۳۵۲). گلستان هنر، تصحیح احمد سهیلی خوانساری. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- میثمی، سیدحسین (۱۳۹۸). موسیقی در دوره‌ی غزنویان. تهران: انتشارات سوره مهر.
- میثمی، سیدحسین (۱۳۸۹). موسیقی عصر صفوی. تهران: موسسه تألیف و ترجمه آثار هنری متن؛ فرهنگستان هنر.
- میرانصاری، علی (۱۳۹۸). «تذکره‌های عصر صفوی، منابعی ارزشمند برای شناخت شاعران موسیقی دان و نوازنده‌ی این دوره»، نامه فرهنگستان، شماره (۱۴).
- میرعلی‌نقی، سید علیرضا (۱۳۸۳). «موسیقی درمانی در رساله علم النبض: (شرحی درباره موسیقی در رساله علم النبض (رگ‌شناسی)، اثر ابن‌سینا»، در چهارمین کنگره کاربرد موسیقی در سلامت جسم و روان ۱۳۷۹؛ مقام موسیقایی، شماره (۳۲).
- طوسی، نصیرالدین (۱۹۶۴). رساله فی علم الموسیقی، زکریا یوسف، القاهرة: دارالقلم.
- نصرآبادی، محمدطاهر (۱۳۶۱). تذکره نصرآبادی، تصحیح وحید دستگردی. تهران: کتاب فروشی فروغی.
- نیشابوری، خیام ابوالفتح (۱۳۱۴). رساله فی شرح ما اشکل من مصادر کتاب اقلیدس لعمر بن ابراهیم الخیامی، تصحیح تقی ارانی. تهران.
- واله اصفهانی، محمدیوسف (۱۳۷۲). خلدبرین، تصحیح میرهاشم محدث. تهران: موقوفات افشار.
- Netti, Bruno. "Music and that complex hole: Music in culture". In: *The Study of Ethnomusicology: Thirty-one Issues and Concepts*. University of Illinois Press. 2005
- Farmer, Henry George. *A History of Arabian Music to the XIIIth Century*. Luzac. 1973
- Ibid. *Historical Facts for the Arabian Musical Influence*. London, Arno. 1978
- Ibid. *The minstrelsy of Arabian Nights: A Study of Music and Musicians in Alfa Laila va Laila*. Luzac & Co.'s Oriental List Volumes 57-58. 1946
- Frishkopf, Michael; Spinetti, Federico. *Music, Sound, and Architecture in Islam*. The University of Texas Press. 2018
- Herbert, D G; McCollum J. "Toward Global Models and Benchmarks for Music Dipomacy". In: *Ethnomusicology and Cultural Diplomacy*. Lexington Books. 2022
- Mohammadi, Mohsen. *Modal Modernities: Formations of Persian Classical Music and the Recording of a National Tradition*, Create Space Independent Publishing Platform, 2017.
- Tomlinson, Gary. "Musicology, Anthropology, History". In: *The Cultural Study of Music: A Critical Introduction*. Ed Martin Clayton. Taylor & Francis. 2013.

Received: 2022/05/29
Accepted: 2023/01/13
Published: 2023/05/17

Typology of Musical texts of Iran

Parichehr Khajeh, Art University, Music Faculty, Faculty member

Sayyid Shahin Mohseni, Art University, Music Faculty, Lecturer

Abstract

Knowing the music of the past of Iran or Persian– Islamic tradition is only possible by studying the texts, since old music is not available to us and cannot be heard today, so the only way of studying old music is studying musical texts. As music is a cultural phenomenon interwoven in the vast network of cultural phenomena, knowing music requires knowing culture in all its aspects; therefore, relying only on the technical texts about music theory is inadequate and deficient. Most of the musical texts, nowadays, are limited to the music theory books from Peripatetic school and Systematic school and other texts types that contain valuable information are neglected and because of that historical musicology is limited to the technical aspect of music theory and chronological approaches to the Maqams, Iqas, Lahns. The present study is about the typology of musical texts and attempts to explain what a musical text is, and which texts are musical; in other words, which type of historical texts can be regarded as musical texts, and each type of musical text is related to which aspect of music as a cultural phenomenon. This study introduces eight types of texts and shows what aspects of music as a cultural phenomenon are illustrated by each type. These types include: 1– music theory books with mathematical– philosophical approach, 2– musical texts in practical context and biographies, 3– religion and jurisprudence books, 4– books of Sama, 5– history books that contain general history and travelogues, 6– literary books, 7– scientific books such as those related to medicine and astronomy, 8– texts about visual arts including miniature, ancient instruments, pottery paintings and reliefs on the walls. These eight types are first layers of cultural texts that can be considered to be musical texts and each of them can shed light on some aspects of music.

Keywords: Music History, Musicology, Typology, Classification of Science, Musical Text